

واگذاری کارخانه‌های چینی البرز و لامپ الوند گزارش یک سرقت از پیش طراحی شده

احمد سیف



بخش سوم



شرکت چینی البرز در سال ۱۳۵۱ ایجاد شد و تا ۱۳۸۱ تحت پوشش بانک صنعت و معدن بود. در سال ۱۳۸۱، ۵۱٪ سهام این شرکت به بخش خصوصی واگذار شد و بقیه هم ۲۳٪ در اختیار شرکت سرمایه گذاری بانک صنعت و معدن، ۸٪ بانک صنعت و معدن بود و ۱۸٪ هم متعلق به دیگر سهام داران است.

از جزییات واگذاری خبر نداریم، ولی روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در ۸ آبان ۱۳۸۵ گزارش می‌دهد که کارگران کارخانه‌ی چینی البرز پس از گذشت ۵ ماه هنوز حقوقی دریافت نکرده‌اند. و جالب این که مدیر شرکت «به بهانه‌ی اصلاح ساختار اقدام به تعطیلی شرکت به مدت ۴۵ روز کرد.» و بعد این را هم می‌خوانیم که «در مدت تعطیلی کارخانه ۸۰ نفر از کارگران شرکت جهت آموزش به سازمان فنی و حرفه‌ای قزوین معرفی شدند که متأسفانه پس از اتمام دوره از ادامه کار و ورود این عده به کارخانه جلوگیری شده است.» و آن گونه که باخبر می‌شویم «به‌رغم وجود مواد اولیه و انبار تولیدات که بالغ بر ۲۰ میلیارد ریال است مدیران برای راه‌اندازی مجدد شرکت و پرداخت حقوق معوقه‌ی کارگران اقدامی نکرده‌اند.»^۱

ظاهراً نه مسئولان برای رفع مشکلات کوشش می‌کنند و نه دولت پا پیش می‌گذارد چون روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در ۱۵ بهمن ۱۳۸۵ یک بار دیگر از عدم پرداخت حقوق کارگران چینی البرز گزارش می‌دهد و روشن می‌شود که ۴۰۰ نفر از مجموع کارگران این واحد تولیدی پنج ماه است حقوق دریافت نکرده‌اند و از آن مهم‌تر «اعتراضات و مراجعات آنان و نماینده‌ی کارگران به ادارات و سازمان‌های ذی‌ربط تاکنون بی‌ثمر مانده است.» خبرنگار روزنامه با نماینده‌ی کارگران صحبت می‌کند و روشن می‌شود - البته بدون این که توضیحی ارائه شود - که «این واحد تولیدی هیچ مشکلی در تولید و فروش محصولات ندارد ولی عملاً حقوق کارگران آن پرداخت نمی‌شود» به‌علاوه این نماینده‌ی کارگران ادامه می‌دهد «در حال حاضر بیش از ۲۰ میلیارد ریال تولیدات این کارخانه که

¹ <https://www.magiran.com/article/1245983>

انواع ظروف چینی است تولید و در انبارها و محوطه‌ی کارخانه موجود است. همچنین تا مدت ۶ ماه آینده از نظر مواد اولیه مشکلی نداریم». روشن می‌شود که کارخانه را ۴ سال پیش به بخش خصوصی واگذار کرده‌اند و این ادعای نماینده‌ی کارگران را داریم که «از چهار سال گذشته که این واحد تولیدی به بخش خصوصی واگذار شد تنها یک‌ماه ما مشکل نداشتیم بعد از آن مشکلات کارگران در این واحد آغاز شده است»^۱

از این که سرانجام این اعتراضات به کجا کشید و چه اقداماتی صورت گرفت در نشریات خبری نیست ولی، سرانجام «مهر» در شهریور ۱۳۸۸ گزارش می‌دهد که تولید در کارخانه‌ی چینی البرز متوقف شد. دلایل ذکر شده عبارتند از کمبود نقدینگی، سوءمدیریت، و کاهش کیفیت تولید و قدیمی بودن تجهیزات. درضمن دو ماه است که کارگران هم حقوقی نگرفته‌اند. لازم به یادآوری است که در گذشته‌ای نه چندان دور چینی البرز علاوه بر تأمین نیازهای داخلی «محصولات خود را به کشورهای عراق، سوریه و آذربایجان» نیز صادر می‌کرد. از قرار ۵ سال پیش این کارخانه را به شرکت سرمایه‌گذاری بانک صنعت و معدن و شرکت سرمایه‌گذاری بانک ملی واگذار کردند. لازم بود برای به‌روز کردن ماشین‌آلات در این کارخانه سرمایه‌گذاری بشود که نشد و اگر چه تاریخی به دست نمی‌دهد ولی رییس سازمان صنایع و معادن استان قزوین می‌گوید که چندی قبل «تزریق نقدینگی و اعطای تسهیلات بانکی به مبلغ ۲٫۵ میلیارد تومان برای حل مشکلات آن اقدام شد تا دچار بحران نشود». جالب است بانک صنعت و معدن مالک ۲۵٪ از سهام است ولی در مدیریت مشارکت نمی‌کند و شرکت سرمایه‌گذاری فرهنگیان هم یکی دیگر از سهام‌داران است که آن هم در مدیریت مشارکت ندارد. به گفته این مسئول دولتی بازسازی اصولی این کارخانه «حداکثر به ۴۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد» تا به یک کارخانه‌ی سودآور تبدیل شود. جالب است که یکی از مسئولان دولتی از

¹ <https://www.magiran.com/article/1337772>

مقامات سازمان خصوصی سازی به این صورت شکوه می کنند که «بی توجهی به اهلیت خریداران و تخصص و اهل فن بودن آنها و واگذاری بدون برنامه در مرکز موجب می شود، مسائل عدیده در سال های بعد استان ها را دچار مشکل کند که امیدواریم در این گونه واگذاری ها تجدیدنظر و دقت بیشتری صورت گیرد». به این ترتیب، تا اینجا روشن می شود که در زمان واگذاری ارزیابی های لازم برای اطمینان از این که خریدار بخش خصوصی دارای حداقل شرایط لازم برای اداره این شرکت باشد، انجام نگرفته است.

اما از این وجه واگذاری که بگذریم، می رسیم به شاهکار حضرات در واگذاری. باخبر می شویم که در زمان فروش این واحد به بخش خصوصی «فقط در انبارهای آن حدود ۶۰۰ میلیون تومان کالای تولید شده موجود بود» و در هنگام فروش هم «۵۰۰ میلیون تومان تخفیف ویژه مشمول حال خریدار شد» و در نهایت، چینی البرز با رقمی حدود ۲,۵ میلیارد تومان فروخته شد. دبیر اجرایی خانه ی کارگر استان قزوین ولی داستان اندکی متفاوت دارد به گفته ی او «این واحد در طول دو سال گذشته از محل صادرات محصول به سوریه، عراق و آذربایجان حدود چهار میلیارد تومان فروش داشته و امروز عمداً روند تولید به سمت توقف پیش می رود تا با اعلام ورشکستگی و بحران در واحد بتوانند وام های کلان بگیرند و حدود ۲۰ درصد سهام جزیی کارگران را از آن خود کنند». از آن گذشته، از نگاه این فعال کارگری «پرداخت حقوق های کلان و خارج از عرف» به «تعدادی از افراد شاغل خاص» در شرکت بخشی از مشکلات این واحد است. خواسته ی این فعال کارگری این است که «در قیمت گذاری ها تجدید نظر شود و این واحدها که میلیاردها تومان ارزش دارند با کم ترین قیمت به افراد غیرمتخصص و ناکارآمد فروخته نشود». از زبان کارگران هم می خوانیم که نه تنها دو ماه است که حقوق نگرفته اند بلکه «بابت سه ماه اضافه کار خود و نیز عیدی و پاداش سال قبل نیز طلبکار هستیم». این کارخانه که ۴۰۰ کارگر دارد ولی «اخیراً بیش از ۴۰ نفر از افراد خاص که نیمی از آنها بازنشسته هستند با روابط خاصی وارد مجموعه شده و بدون آشنایی با نحوه ی تولید از چهار تا هفت میلیون

تومان حقوق ماهانه دریافت می کنند که این مسئله و سوءمدیریت موجب کاهش تولید و عدم فروش محصول و افزایش بدهی ها شده است».

یکی دیگر از کارکنان به مهر می گوید که «مدیران مجموعه تاکنون بیش از ۲۰ میلیارد تومان وام گرفته اند اما در جای دیگری سرمایه گذاری کرده اند و از پرداخت حقوق کارگران عاجز مانده اند و درصددند بارها کردن واحد آن را ورشکسته قلمداد و وام های کلان بگیرند»^۱ وارد جزئیات نمی شوم که در بخش عمده ای از دوران پس از خصوصی سازی، حدوداً ۴۰۰ کارگر این کارخانه دائماً از این اداره به آن اداره می رفتند تا حقوق معوقه ی خود را بگیرند - پیش تر هم نوشته بودم که یکی از وجوه عجیب و غریب سرمایه داری در ایران این است که برخلاف سرمایه داری در هر کجای دیگر، در ایران در اغلب موارد این سرمایه داران هستند که به کارگران بدهکارند نه برعکس - باری اشاره کردم که ظاهراً خریداران تازه حتی وقتی بیش از ۲۰ میلیارد تومان هم وام گرفتند باز هم طلب کارگران را ادا نکردند. خلاصه کنم روشن است و یا تعجبی ندارد که کارخانه ی چینی البرز ورشکست می شود.

برای این که تا حدودی روشن شود که در پوشش «خصوصی سازی» چگونه اموال دولت حیف و میل می شود و این سرقت ها چگونه شکل می گیرد بد نیست اشاره کنم به آگهی مزایده ی «شرکت ورشکسته ی چینی البرز» یعنی وقتی این کارخانه را ورشکست اعلام کردند، مستشار قضایی اداره ی تصفیه ی امور ورشکستگی در مطبوعات اعلان داد و آن چه که از شرکت ورشکست شده قابل نقد شدن بوده را برای فروش ارایه کرد. در این آگهی رسمی مشخصات ملک را داریم با قیمت کارشناسی شده ی آن که ۱۵۹,۷ میلیارد ریال برآورد می شود. بعد می رسمیم به ماشین آلات و تجهیزات کارخانه، که آن هم ۳۴,۳۹ میلیارد ریال ارزیابی می شود. اموال اداری که ۲۴۱,۱ میلیون ریال بود و بعد می رسمیم به

¹ mehrnews.com/x9ZFB

وسایل نقلیه‌ای که برای فروش ارایه می‌شود و قیمت ارزیابی شده‌ی آنها هم ۱۹,۴۵ میلیارد ریال است. وقتی این ارقام را جمع می‌کنیم ارزش کارخانه‌ی چینی‌سازی البرز- پس از ورشکستگی- اندکی کمتر از ۲۳,۴ میلیارد تومان می‌شود.

خوب، پیش‌گزاره‌ی عجیبی نیست اگر ادعا کنم که احتمالاً برای این که این اموال به فروش برسد به احتمال زیاد، بازرسان اندکی گشاده‌دستی می‌کنند- یعنی برای اطمینان از فروش، قیمت را عمداً کم‌تر از آن چه که باید باشد تعیین می‌نمایند- چون در واقع دارند اسقاط فروشی می‌کنند، ولی با این همه آن‌چه که در زمان سرحال بودن به کم‌تر از ۲ میلیارد تومان واگذار شد (۲,۵ میلیارد تومان منهای ۶۰۰ میلیون تومان تولیدات) حالا که ورشکست شده طرف قیمت گذاشته ۲۱ میلیارد و ۳۷۸ میلیون تومان که بیش از ۱۱ برابر بهایی است که «کارآفرین» بخش خصوصی آن را خریده و بعد ورشکست کرده است. ممکن است بگویید در این سال‌ها با تورم در قیمت زمین روبرو بوده‌ایم با این همه حتی اگر قیمت زمین را هم کنار بگذاریم قیمت بهای ماشین‌آلات - که به صورت آهن‌پاره ارزش‌گذاری شده است و تجهیزات کارخانه و وسایل نقلیه‌ای که برای فروش ارایه شده است بیش از دو برابر بهایی است که خریدار برای تملک کل این مجموعه پرداخته است.^۱

کنجکاو شدم بینم که سهام چینی البرز را به چه کسی فروخته‌اند. در این گزارش که در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۹ منتشر شد می‌خوانیم که گروهی از کارگران چینی البرز ۷ ماه مطالبات معوقه دارند و بعد باخبر می‌شوند که سهام‌دار اصلی هم انحلال کارخانه را اعلام کرده است. روشن می‌شود که شرکت چینی مقصود در واقع ۵۰٪ سهام این کارخانه را خریده است و کارگران معترض به این نکته اشاره دارند که «مالکان جدید با اعتبار کارخانه تا سقف هزار میلیون تومان درخواست تسهیلات بانکی کردند که تاکنون ۶۰۰ میلیون تومان به آنان پرداخت شده است.» ولی اگرچه به اعتبار کارخانه‌ی البرز وام گرفتند

¹ <https://www.magiran.com/article/1337772>

ولی «این پول به جای آن که در چینی البرز سرمایه‌گذاری شود به نام پروژه‌های دیگری که به ظاهر در شهرستان‌هایی چون همدان قرار دارد؛ هزینه شده است».^۱ چگونگی است که مسئولان واگذاری به این نکته دقت نکرده‌اند که نباید ۵۰٪ سهام چینی البرز را به شرکتی که به احتمال قریب به یقین رقیب اصلی آنها در بازار است، یعنی به شرکت چینی مقصود بفروشند؟ آیا تعجب دارد که مالکان شرکت چینی مقصود «علاقه‌ای» به احیای شرکت چینی البرز نداشته باشند؟ در آخرین روزهای سال ۱۳۸۸ کارخانه را منحل کردند.

نمونه‌ی دیگر از این حراج اموال عمومی هم واگذاری لامپ الوند است که آن‌هم در قزوین واقع است و ظاهراً در سال ۱۳۸۵ وقتی که رییس‌جمهور وقت - احمدی نژاد - به یک سفر استانی رفت ظاهراً به‌طور همزمان «۴ واحد بحرانی استان قزوین» به بخش خصوصی واگذار شد. در این مورد به‌وضوح شاهد فرایندی هستیم که به آن «لخت کردن دارایی» می‌گویند، **Asset stripping**، «لخت کردن دارایی‌ها» معمولاً موقعی صورت می‌گیرد که یک بنگاه یا یک واحد تولیدکننده به کم‌تر از ارزش واقعی‌اش به دیگری واگذار شود. وقتی چنین می‌شود، خریدار تازه می‌تواند با مجزا کردن اجزای آن شرکت و فروش جداگانه‌ی آن، ارزش منظور نشده در قیمتی که آنها را خریده است را به پول تبدیل کند. دلیل دیگر این کار هم احتمالاً نگاه شماری از فعالان بازارهای مالی است که به‌ویژه در دو - سه دهه‌ی گذشته که دوره‌ی رونق «خصوصی‌سازی» و واگذاری‌ها بود وارد این بازار شده و با خرید واحدها به جای حفظ و اداره‌ی آنها، به فروش دارایی‌ها پرداخته و به این طریق «سود» برده‌اند. به سخن دیگر، هدف اصلی این دسته از خریداران نه احیا و یا گسترش واحد تولیدی خریده شده بلکه «لخت کردن» دارایی‌ها و در نهایت، انحلال آن است. باری خریدار لامپ الوند، در اردیبهشت ۱۳۹۲ ادعا کرد کارخانه را با حداقل ۱۵ ماه حقوق عقب‌افتاده‌ی کارگران واگذار کردند. و

¹ <http://epjk.blogfa.com/post/359>

علاوه بر آن، خریدار این واحد ادعا می‌کند دولت وعده داد که به خریدار بخش خصوصی مساعدت مالی نماید. مدیرعامل شرکت لامپ الوند قزوین می‌گوید که «در مرحله‌ی اول برای طرح توسعه‌ی لامپ کم‌مصرف ۵ میلیون دلار و ۵۰ میلیارد ریال در سال ۸۷ مصوب شد که اجرایی نشد و با پیگیری‌های متعدد در سال ۸۹، ۵۰ میلیون دلار جهت واردات مواد اولیه‌ی کارخانه مصوب شد که آن هم محقق نشد». بعید نیست با شیوه‌ای که آقای احمدی نژاد اقتصاد ایران را در آن سالها «مدیریت» می‌کرد مدیرعامل راست بگوید که رئیس جمهور وقت برای این که به خیال خام خویش مشکلی را حل کرده باشد، چنین وعده‌هایی داده باشد. ولی اکنون جالب است که خریدار این واحد می‌گوید که «ناچار به فروش ملک شرکت بابت پرداخت بدهی‌های بانکی شدیم» و بعد، نکته‌ی قابل توجه این که اضافه می‌کند مدتی بعد «کلیه‌ی تجهیزات را هم به صورت آهن قراضه و کیلویی فروختیم»^۱ در عکس‌العمل به ادعاهای مدیرعامل کارگران کارخانه هم در پاسخی که نوشتند متذکر شدند که «شرکت لامپ الوند یکی از بزرگ‌ترین و مجهزترین شرکت‌های لامپ‌سازی خاورمیانه بوده که بیش از ۵۵۰ نفر کارگر استخدامی داشت اما با واگذاری ناصحیح به مدیر نابلد فعلی مشکلات آغاز شد». ادعای کارگران این است که صاحبان جدید «میلیاردها ریال» وام گرفته‌اند ولی در جای دیگری خرج کرده‌اند و با اشاره به فروش دارایی‌ها متذکر می‌شوند که «آیا فروش دفتر مرکزی در تهران و فروش ۲۸ واحد مسکونی در الوند و قطع درختان ۴۰ ساله و فروش آن‌ها و قطعه بندی زمین شرکت نیز به دلیل فرسوده بودن بوده است؟» و مدعی می‌شوند که فروش دستگاه فرسوده هم «با نابلدی و یا نیت قبلی انجام شد». کارگران قصد کارفرمای فعلی از خرید کارخانه را نه به قصد تولید که تقسیم و فروش زمین‌های این واحد تولیدی دانسته‌اند و در خصوص ادعای «زیان دیدن» کارفرما تصریح کرده‌اند: «اگر کارفرما در این شرکت زیان دیده، خوب چرا برای فروش، ماده‌ی ۱۲ قانون کار را

¹ <http://www.velaiatnews.com/?type=dynamic&id=1261>

اعمال نمی‌کند و برای سود بیشتر زمین‌های شرکت را قطعه بندی می‌کند و بهترین قطعه‌اش را برای خودش نگهداشته تا واحدهای تجاری، اداری و بانک درست کند؟» و بعد نامه‌ی خود را با این عبارت به پایان می‌برند که با فروش دارایی‌های شرکت در قطعات کوچک «به جز تابلوی شرکت چیز دیگری برای انحلال وجود ندارد».^۱

البته در گزارش دیگری در سال ۱۳۹۵ می‌خوانیم که شرکت الوند با تغییر نام به شرکت الغدیر به یک مالک خصوصی دیگر واگذار شده و با ۶۰ کارگر مشغول کار است.^۲ با شواهدی که ارائه کردیم، به نظر تردیدی نیست که خریدار پیشین، این واحد را به‌منظور «لخت کردن دارایی‌هایش» خریده بود و آن گونه که گزارش کردیم در این کار هم «موفق» شد.

¹ <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-66453>

² <https://kargaronline.ir/fa/news-details/59858/>